



نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 86

سری سوم، شماره 86

Oktober 2020

آبان 99

Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com

سر دبیر: مینو همتی

مدیر مسئول: شراره رضایی

Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezaei.p@gmail.com



مطالب

نگاه بی تفاوت ما کاری از: علی شافعی

تا انتخابات آمریکا و بررسی زمینه ها و روند آتی در گفتگوی مینو همتی با نریا شهبابی

مرگ آرزوهای کوچک و ننگ حاکمیت شراره رضایی

نه به اسلام سحر بابا سلجی

مجازات اعدام نوری شریفی

عوامل موثر خشونت بر زنان فریبا رشیدی

دستگیری چهارتن از فعالین کارگری هفت تپه

قرنطینه " قسمت پنجم" فرخنده آشنا

دستگیری نگار مسعودی تصویرگر رنج و درد قربانیان اسیدپاشی

خانواده های همجنسگرایان در ایران شیمامقدم

تصاویری از کشته شدگان آبان خونین 98

صفحه ی خبری

- اعتراض سرخ علیه خشونت بر زنان در ایتالیا
- اعتراض زنان لهستان به قانون سقط جنین در لهستان
- مرگ پنج عضو یک خانواده ی پناهجو اهل سردشت در اثر غرق شدن قایق
- تداوم بی خبری از دستگیرشدگان نشریه آگاهنامه

راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، آرشیو نشریه

کاری از: علی شافعی

نگاه بی تفاوت ما



به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان...". شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.

Markazi@RahaiZan.org

انتخابات آمریکا و بررسی زمینه ها و روند آتی در گفتگوی مینو همتی با ثریا شهابی



هیچوقت شانسی را پیدا نکرد که اصلا به کاندیدای انتخابات تا آخرش بره ، در نتیجه حزب مقابلش مونده روی اینکه اون قطار را به زور هم که شده ، روی ریل نگهداره ، یک طرف باید است طرفدار حفظ وضع موجود ، یک طرف ترامپ است با وعده هایبری کردن آمریکا به اصطلاح تلاش بکنه ، اقتصاد آمریکا را برتر در دنیا نگهداره و با تکیه اش با رجوع به گذشته و به بخشهایی به شدت ارتجاعی و راست ابتدایی . به هر حال دو حزب موجود ، هیچکدامش بعنوان احزاب سنتی پاسخگوی شرایط امروز آمریکا نیستند . علاوه بر مشکلات اقتصادی و بحران اقتصادی قبلی ، الان اضافه شدن فاکتور کرونا به اضافه عبور میلیونی مردم ، چه در اروپا و چه در آمریکا از احزاب پارلمانی و از احزاب سنتی که یک عمر از این انتخابات به یک انتخابات دیگر قدرت بین این دو تا حزب اساسا اصلی دست به دست میشد ، تغییر جدی توی زندگی کسی صورت نمیگرفت ، اینها را مردم از خسته اند ، در نتیجه میگم مشخصه این انتخابات باخت باخت هر دو تاشونه و به نظر من انتخابات تا جایی که به بالا برمی گرده ، برنده ای نداره و به پائین برگردم به توازن قوا و شناسایی که یک نیروی سوم از پائین داره که ساختار شکنی پائین را بتونه نمایندگی کنه و رای احزاب دموکرات و اینزویادای هیت که در افق به نظر من دیده میشه .

مینو همتی: آیا همزمانی ظهور پدیده هائی مشابه آقای ترامپ در اروپا و حتی برزیل و هند ، بیانگر برجیدن تدریجی و پیرین دموکراسی و شروع دوره ای جدید از حاکمیت اقلیت بر اکثریت است؟

ثریا شهابی: و پیرین دموکراسی خیلی وقته برجیده شده ، همیشه حاکمیت اقلیت بوده ولی بنام اکثریت و با شمارش آرای که از صندوقها میاد بیرون ، با همان سیستمهای خود انتخابات آمریکا نگاه کنی ، شما نصف بیشتر واجدین شرایط رای نمیدهند و یک اقلیت خیلی کوچکی میتونه تعیین کننده باشه در نتیجه انتخابات .

حاکمیت اقلیت به اسم اکثریت مشخصه سیستم پارلمانی بوده ، منتها در سیستمهای پارلمانی به هر حال به درجه زیادی به دو جناح راست و چپ ، اختلاف سیاستهایی داشتن و به درجه ای چنان چپ نمایندگی به تعدیل کردن فشار اقتصادی روی بخشهای محروم جامعه و حقوق اقلیت ، اینها را به اصطلاح نمایندگی میکرد ولی الان و پیرین دموکراسی خیلی وقته ب چیده شده ، و پیرین دموکراسی 20 ساله برجیده شده ، به زور باز نگهش داشتن و به زور بازارش را گرم نگهداشتن .

بودیم که آخرینش توی آمریکا در مورد سیاهان بودیم ، این قطار از ریل خارج شده و مشخصه این دوران ، برد هر کدامشان ، باخت هر دو تاشونه ، برای اینکه فرداش باید بر آمریکا حاکمیت بکنند ، نه باید میتونه آمریکا را مثل گذشته ، توی چهار چوب گذشته اداره کنه ، نه ترامپ میتونه .

ترامپ به قدرت رسیدنش در دور اول ، اگر شوک بود ، اگر جامعه آمریکا برایش یک تکون ساختار شکنانه ای بود که به شخصیت لومپن کاملا خارج از نرمی سنتی احزاب پارلمانی به قدرت رسید و از هر اراچیف که خواست گفت و هر چه لجن خواست به اطراف پرتاب کرد و به قدرت رسید . این دور چه ترامپ بقدرت برسه و چه باید برسه ، با انشقاق که توی خود ایالات متحده و بین ایالت ها شده و بین مردم و با پولاریزاسیونی که توی پائین صورت گرفته ، این باخت باخت هر دو تاست .

ویژگی این انتخابات اینست ، یک طرف شما یک شخصیت متعلق به راست افراطی مثل ترامپ داریم ، ترامپ نه احمقها و نه سرمایه گذاری روی به اصطلاح پوچ و بیهودگی میکنه . علی الرغم تصویر که می دایی به اصطلاح مودب ازش میده ، سرمایه گذاری روی بخشهایی بسیار افراطی راست " رنک و کولوسکلان

و همه اینها و بخشهایی مذهبی کلیسایی مسیحیت و بخش مذهبی و عقب مونده ، برای بازگرداندن آمریکا به عظمت گذشته و گذشته گرای تا مغز استخوان ارتجاعی ، منتها ساختار شکن راست ، شخصیت ساختار شکنش را به بالا پرتاب کرد و این ترامپ بود که توانست بقدرت برسه و چپ در آمریکا ، اگر بتونم بگیم چپی که مطلقا در پارلمان ساختار شکنی وجود نداره ولی سندرز یک شخصیت کاملا متفاوتی از شخصیتی سنتی و ساختاری آمریکا بود .

<https://youtu.be/FTuzthzm2IU>

دگر بار فصل انتخابات در آمریکا فرار رسید و نمایندگان رنگارنگ طبقات حاکم کاسه گدائی رای در دست گرفته و بازار وعده وعیدهای انتخاباتی را رونق بخشیده اند . دو جناح حاکم برای مشروعیت بخشیدن به نظام سراپا استثمار و تبعیض به کسب رای از شهروندان نیاز دارند ، حداقل تا کنون که چنین بوده . لیکن پدیده ای همانند آقای ترامپ معادلات تاکنونی را برهم ریخته و قطار را خارج از ریل به مسیری هدایت میکند که بازگرداندن آنان به مسیر قبلی قریب به محال است . برای روشن شدن زمینه ها و روندهای محتمل آتی با میهمان عزیز برنامه ثریا شهابی فعال مارکسیست از مدافعین حقوق زنان و کودکان به گفتگو میشینیم .

مینو همتی: شما از که آنسوی اقیانوس اطلس روند انتخاباتی آمریکا را زیر نظر دارید ، بنظر شما ویژگی های این انتخابات چگونه متبلور میشوند؟

ثریا شهابی: به نظر من در یک جمله اگه بتونم بگم ویژگی این انتخابات چیه؟ باخت باخت دو طرفه ، این انتخابات بردی ندارد . شما اشاره کردید ، گفتید قطاری از ریل در حال خارج شدن ، به نظر من از ریل خارج شده ، به قدرت رسیدن ترامپ ، خارج شدن قطار از ریل بود و این خارج شدن از ریل زمینه مادی داره و اونم زمینه مادی ، فشار ساختار شکنان ای بود که از پائین دموکراسی پارلمانی و وعده های احزاب پارلمانی و الیت سنتی احزاب پارلمانی چه توی بریتانیا و چه توی آمریکا را عقب زده بود ، مردم خسته اند ، مردم از بازیهای پارلمانی دو حزب سنتی کودها هایی میدهند و چهار سال بعد میاد و هیچ اتفاقی نمیدن ، بخصوص با اضافه شدن مسئله کرونا و وضعیت وخیم اقتصادی که مردم دست به گریبان هستند .

ما شاهد انواع و اقسام شورشها و اعتراضات

یکی از بزرگترین تغییرات شاید در آمریکا وضعیت دسترسی مردم به بیمه های عمومی بود. در زمان اوباما که مورد تعرض دانه قرار میگیره. این برلی اروپا پدیده جدیدی نیست، وقتی زمان سوسیال دموکرات ها، سوسیال دموکراسی میاندار بود، یک جهان دو قطبی و سوسیالیزم وجود داشت و لازم بود که بورژوازی غرب به درجه عدالت خواهی و به درجه تساوی طلبی و حقوق اقلیت ها و حقوق بخشهای محروم تر جامعه را و آزادی بیان و عقیده و حقوق بشر را رعایت بکنه و در تقابل با قطب مقابلش. شما شاهد دستاوردهایی بسیار عظیمی بورس سوسیال دموکراسی در کشورهای اسکاندیناوی تا آلمان و حتی تا تغییراتی که خود حزب دموکرات در آمریکا بوجود میآورد، این امکان را داشتند که توی چهارچوب پارلمانی یک تغییرات خیلی محسوس را شما شاهد باشید.

این ویتترین 20 ساله بعد از فروپاشی دیوار برلین فروریخته، دموکراسی پارلمانی، نه حقوق بشر و نه عدالت اجتماعی، اینها را هیچ الزامی نمیدن که احساس فشاری نمیکم از قطب مقابل که بخواهد آنها را به اصطلاح توی سیستم پارلمانی بعنوان پلاتفرمهای متفاوت این حزب جلوی صحنه بباره، در نتیجه 20 ساله بزور بازارش را گرم نگه داشتن. بازارش را با جنگ با تروریست ها و خطر این و خطر اون، و دشمن خارجی و بعد انواع و اقسام ترندهایی سیاست های خارجی و ابزارهایی که داشتن، میدی و شستشوی مغزی، مهندسی اخبار، اون بازار را گرم نگه داشته.

امروز دیگه به آخر خطش رسیده و فقط امروز نیست که به آخر خطش رسیده، خیلی وقته رسیده، منتها دو پدیده خصلت نمای این بن بست و این شکست، یکیش "برکت انگلستان بریتانیا و محمصه اقتصادی که توش گیر کرده و به قدرت رسیدن ترامپ و ترامپیست آمریکاست و زیر سنوال رفتن حفظ اتحاد ایالات متحده با یک روبنا سیاسی عقب مونده تر و یا اینکه تغییر روبنا پیشرفته تر که آن نیز در چهارچوب دموکراسی پارلمان و این بازیها انتخاباتی و بین باید و ترامپ مطلقا نمایندگی نمیشه.

مینو همتی: در روزهای اخیر آقای ترامپ رقیب انتخاباتی خود آقای بایدن و خانم کملا هریس را رادیکال، مارکسیست و سوسیالیست لقب داده است، بطور قطع آقای ترامپ میداند که جناح مقابل همانقدر کشته و مرده نظام سرمایداری است که وی و خانواده اش، پس موضوع و اختلاف اصلی بر سر چیست؟

ثریا شهابی: ببینید ترامپ برخلاف تصویری که می دایی به اصطلاح تحصیل کردان و الیت روشنفکر میده، نه آدم احمقی و نه

سرمایه گذاری پوچ میکنه، یک آژیتاتور راست افراطی که سرمایه گذاری روی بخشهای معنی در جامعه امریکاست. میدون دانه چی میگه.

نه باید و نه خانم هریس هیچکدامشان ربطی به سوسیالیزم ندارند، کمترین داعیه امروز که در مورد عدالت خواهی و در مورد حقوق اقلیت ها و آزادی های سیاسی که توی انگلستان جرمیکوئن نماینده اش شده، توی آمریکا سنדרز نماینده اش بود خیلی خیلی عقب تره از سوسیال دموکراسی که توی دهه 60 و 70، توی خود همین پارلمان ها بقدرت میرسید و داعیه هایش را اجرا میکرد.

در نتیجه ترامپ میدون چی میگه، او دانه سرمایه گذاری میکنه روی بخشهای راست افراطی کوکوسکلان، رونک، که اشاره کردم، مذهبی و عقب مانده و ارتجاعی، خیلی خیلی متمرکز، میدون که جامعه پولاریزه شده و میدون که شانسنش کجاست، برخلاف طرف جناح مقابلش، بعد اطلاق سوسیالیست بودن به باید و خانم هریس راستش این فقط برای اژپته کردن و برای پروکاسیون خیلی متمرکز است برلی بسیج دسته جات افراطی، اگر نه اینها با سوسیالیزم کاری ندارند، منتها یک جنبه دیگر این تعرض این هست که هر نوع صدای مخالف علیه راست افراطی. این در بریتانیا هم همینطور بود. من در حاشیه بگم که جورج ویزنکون و همان احزاب پارلمانیشان در دهه 60 و 70 خیلی خیلی ادعاها متوسط بود، از این رو اعلام میکنند که میخواد یه واقعیتی را نشان دهد و آن این هست که هر نوع مقابله جدی با پیشروی راست افراطی در گرو جنبش سوسیالیستی، کمونیستی است، در نتیجه این مهر بیخودی به باید و خانم هریس زده میشه، منتها زدن این مهر نشانی است که تنها تنها یک نیرو که میتونه جلوی راست افراطی را میگیره که همون کمونیزم، سوسیالیزمیه که در هم تنیده است. در پائین جامعه و نماینده عدالت خواهی و نماینده برابری طلبی و نماینده رادیکالیسم بشدت افراطی به همان افراطی گری که راست افراطی هست، این تنها دشمن داخلی، در نتیجه این داستان پروپاکسیون و این داستان پروپاگانداهای ضد سوسیالیستی و ضد کمونیستی در اروپا و آمریکا بسیج یک جنبش معین راست افراطیه که غیر از یک پرچم ضد سوسیالیستی و ضد کمونیستی نمیتونه بسیجش کنه و ترامپ هم روی همین دانه سرمایه گذاری میکنه و اگر شانسی دانه که متاسفانه شانسنش هم کم نیست، بخاطر اینه که در مقابلش هیچ کاندید به همان غلظت، رادیکال و محکم در دفاع از جنبش عدالت خواهی وجود نداره، نه سیستم انتخاباتی

پارلمانتاریزم در بریتانیا و نه در آمریکا امکان نزدیک شدن امثال سنדרز و کورین را به قدرت نمیدهند. امروز ندهند، ساختار ش مینوازند بیرون، همانطور که سنדרز حزب دموکرات انداخت بیرون و کورین را حزب لیبر انداخت بیرون که آنها جانسون را ترجیح میون به کربن و حزب دموکرات ترامپ را ترجیح میده به سنדרز، این ویژگی این ساختار است که دست به دست جناح چپ بورژوازی یا راست بورژوازی و در مقابل راست افراطی ساختار شکنی که خودش را تحمیل کرده به حزب جمهوریخواه در آمریکا و خودش را تحمیل کرده به حزب محافظه کار و این دو حزب سنتی که راست افراطی نبودن در مقابلش ما نمیکم که چپ نمایندگی بشه و این اطلاق که شما بهش اشاره کردید، تنها و تنها اعلام آمادگی راست افراطی برای این که من در این دو قطبی نیرویم را دارم بسیج میکنم.

مینو همتی: آنچه مسلم است مردم آمریکا در کوتاه مدت برسر دوراهی قرار دارند، آقای ترامپ و طرفداران خشک مذهبی او، با بسیج نیروهای ایدئولوژیک خود تصاحب کرسی های دیوان عالی کشور، مسند قضات منطقه ای و ایالتی را هدف اصلی قرار داده اند تا از بالا کلیه قوانین ارتجاعی، تبعیض آمیز و ضد زن را دوباره به جامعه تحمیل کنند. آیا مردم برای حفظ دستاوردهای نیمیند تاکنونی می باست به جناح مقابل رای دهند؟

ثریا شهابی: به نظر من این یک سنوال خیلی معتبری است، این سنوال در بریتانیا هم مطرح بود حفظ وضع تغییر برای بهبود در بالا نمایندگی نداره. تغییر برای بهبود فشار اعتراضات و انفجارات اعتراضی توی پائین، توی پارپسه توی نیویورک و سیاتل و شهرهای مختلف آمریکا و توی لندن توی اینهاست، در نتیجه تغییر برلی بهبود نمایندگی نمیشه در بالا حفظ وضع موجود باخته، حفظ وضع موجود ممکن نیست، بخصوص بعد از اضافه شدن فاکتور کرونا که یکی پس از دیگری همه دولت ها، هیچ چپ و راست که اقتصاد را رو به کما میبرند، بازسازی اقتصاد، ته این پروسه معلوم میشه با کدوم الگو و توسط کدوم رهبری سیاسی دانه تامین میشه. حفظ وضع موجود بازگشت به قبل ممکن نیست. یک جناح که بازگشت به قبل را میگه، ارتجاعی و گذشته پرست را روی اقتصاد ملی به ملی معنی نداره، نه در آمریکا و نه در اروپا، ولی از نظر سیاسی میاندار است و میتونه بسیج بکنه و مردم خواهان حفظ وضع موجود نیستند، حفظ وضع موجود یک جنبش ترس و ارعاب، ادامه صفحه 8

مرگ آرزوهای کوچک و ننگ حاکمیت
شهره رضایی



تنها در یک روز خیر خودکشی پنج نوجوان بین سنین ۱۱ تا ۲۲ سال به گزارش خبرگزاری هرانا :
*سه نوجوان و جوان ۱۵، ۱۷ و ۲۲ ساله در نیشابور دست به خودکشی زدند. از این میان ۲ تن جان خود را از دست داده و یک نفر در بیمارستان بستری است.
*یک نوجوان ۱۱ ساله در شهرستان همدان به دلایل نامعلومی دست به خودکشی زد و جان خود را از دست داد.
*خودکشی دانش آموز ۱۳ ساله در شهرستان ارومیه.

بحران اقتصادی و گرانی و ... همه باعث شده تا حداقل لیخندها و شادی ها از جامعه رخت بسته و افسردگی و دپریشن با سرعت عجیبی جامعه را در خود فرو برده. تا کی باید سیاه پوشیم و بر قبر جگرگوشه هامان زار بزیم. حتما همه ی ما خانواده ای و عزیزای داریم و نگران وضعیت موجود هستیم .

نگران فرزند، نگران بستگان، نگران شاگردان کلاسمان که هر روز وجود نازنین یکی شان کم می شود دیگر در میانمان نیستند. تا کجا و تا کی می خواهیم سکوت و تحمل کنیم.

در این میان، خطر افسردگی، کودکان طبقه ی کارگر و محروم تر جامعه، بیشتر تهدید می شوند. کودکانی که افق و آینده ی روشنی در پیش روی خود نمی بینند. پس طبقه ی کارگر برای قطع این دومینیوی خطرناک باید با قدرت طبقاتی اش این حلق را قطع و ساقط کند و این تنها با ساقط شدن کل نظام و پایان دادن به حکومت کشتار و جنایتکار امکان پذیر است.

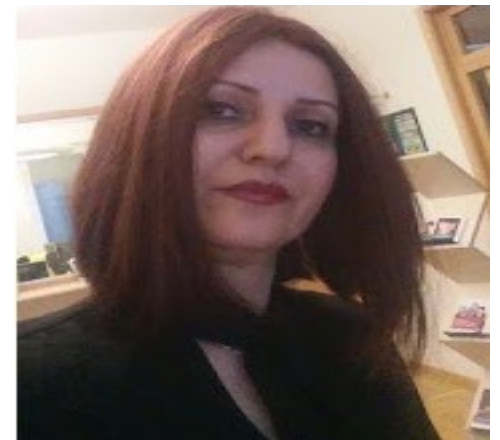
- #سامانه ناشاد
- #کودکان قربانیان سیستم
- #کودکان محروم از تحصیل
- #خودکشی کودکان
- #وزیر بی لیاقت آموزش پرورش

باور کنیم که اینها عدد دو، سه، پنج نیستند. اینها انسانند و مهم تر آن کودک اند. کودکان و نوجوانان که اکثرشان زیر هجده سال سن دارند. در تمام دنیایی که کمی قوانین انسانی در آن جاری باشد. کودکان و نوجوانان ارجح بر تمام الویت های دولت ها هستند و بزرگترین ثروت هر کشوری محسوب می شوند. این کودکان اما از بخت بدشان در سرزمین حاکمان دزد و بی مسئولیت دنیا آمدند و امروز بجای درس و شادی در گور سرد خوابند، آرزو داشتند که آیندگان و سازنده ی جامعه باشند. اما از برکت حکومت جنایتکار، اینها نسل سوخته ی افسرده از فقر و فلاکتی هستند که تنها برای حداقل ترین خواست ها " تلفن هوشمند" برای حضور در کلاس اینترنتی و سامانه ی شوم "ناشاد" دست به خودکشی میزنند.

سیدمحمد موسوی، پرستو جلیلی و ... پنج کودکی که تنها یک روز در شهرهای مختلف خودکشی کردند .

با وضعیتی که روز به روز فقر و فلاکت دامنه ی گسترده تری پیدا می کند و بلاطبع کودکان بیشتری محروم از داشتن گوشی و یا آرزوهای کوچک شان هستند. قرار است خیر خودکشی چند ده ها کودک را بشنویم و تنها اشک بریزیم. آیا تضمینی وجود دارد که عزیزترین نزدیکان من و تو، برادر زاده، خواهرزاده و ... در بین تصمیم گیرندگان خودکشی نباشند !

نه به اسلام
سحر بابا سلجی



اخیرا با توجه به قدرت گرفتن بسیاری از اسلاميون که در کشورهای اروپایی سکونت دارند، سعی در اشاعه و رواج هر چه بیشتر اسلام در دول اروپایی هستند.
چه بسا که با رشد پناهنده پذیری این قبیل افراد مسلمان که بعضا از افراطیون اسلامی هستند، در اینکار موفق هم بوده اند. که چه بسیار از

موجی از خشم و انزجار در بین بسیاری از کشورهای اروپایی بوجود آورده است چرا که فقط بخاطر نشان دادن کاریکاتور محمد ان معلم به طرز وحشیانه ای به قتل میرسد. و در همین هفته اخیر ود کشور سوئد نیز فردی سوندی در جلو پارلمان اقدام به آتش زدن قران مینماید، ودر کشور فرانسه نیز چنین اقدامی صورت گرفت، واضح و مبرهن است وقتی اسلاميون افراطی دست به جنین اعمال جنایتکارانه ای میزنند، خوب هستند کسانی که مقابله به مثل کنند و نفرت خود را اینجنین با آتش زدن قران نشان دهند، به عقیده من دول اروپایی باید هر چه زودتر جلو این اقدامات خصمانه و وحشیگری های اسلاميون را بگیرند، که باعث مخدوش شدن اذهان مردم نسبت به این قبیل جنایات نشوند.

و در پایان باید به این جمله معروف بسنده کرد که دین افیون توده هاست.
به امید اینکه دیگر شاهد چنین جنایتهایی نباشیم ومردم در امنیت کامل در هر کجای این کره خاکی زندگی کنند.

این قبیل افراد تحت لوای اسلام مرتکب بسیاری جنایتها می شوند. به طور مثال در کشور سوئد، با ایجاد مساجد، و راه افتادن دسته های سینه زنی در ایام محرم سعی در بیشتر رواج و اشاعه فرهنگ اسلام هستند، و متأسفانه کشور سوئد با اهمیت دادن و سکوت در این موارد راه را برای این اسلاميون افراطی باز کرده اند. روزی نیست که در اخبار و رسانه ها در سوئد ما شاهد کشتار و جنایتهایی که این قبیل افراد مرتکب میشوند نباشیم. به طبع بعضی از احزاب سوئدی نه تنها توجهی به این معضلات نمی کنند بلکه با سکوت خود باعث رشد، هر چه بیشتر فعالیت این افراد میکنند که شوربختانه عواقب ان بیشتر متوجه خود کشور میباشد.

در چند ماه گذشته در بسیاری خبرها گفته شد که یک اسلام ستیز دانمارکی در کشور سوئد، با آغشته کردن قران به خون و ادرار خوک و سپس آتش زدن قران سعی در بوجود آوردن نفرت و انزجار خود از اسلام و قران داشته است. و اخیرا که با توجه به قتل فجیع یک معلم فرانسوی بدست یک مسلمان،

مجازات اعدام نوری شریفی فعال حقوق بشر و زنان



آیا اعدام امری بازدارنده است برای عدم تکرار کارهای ناشایست و هنجارشکن عده ای در جامعه؟ یا انتقامجویی برخی است از بعضی دیگر؟ و یا مجازات عده ای برای ترساندن و ارعاب عده ای دیگر؟

اگر به تاریخ اعدام نگاهی بیفکنیم، متوجه میشویم که مجازات مرگ را انسانها در ابتدا خود برای خود در نظر می گرفتند. در دوران نخستین پدرسالاری، نه ملتی در کار بود و نه دولتی. دوران خانواده بزرگ بود و بس. رئیس طایفه، مانند هر جامعه ای از این نوع، سرنوشت مرگ و زندگی اعضای جمع را در دست داشت. این رویه ادامه داشت تا زمانی که جمعیت افزایش پیدا کرد و تشکیل دولتها صورت گرفت. پس از آن، چشم در برابر چشم و جان در برابر جان، تعیین نوع مجازات گردید. اما در این فواصل مذاهب گوناگون هر یک به گونه ای ستاندن جان را تبلیغ میکردند و آن را مجاز می شمردند. تمامی مذاهب چه به هنگامی که خود صاحب قدرت بودند و یا در رکاب صاحبان قدرت، از اعدام و کشتن بعنوان محکمتر شدن پایه های قدرت و اجرای احکام الهی و خداوندی استفاده میکردند. از حق حیات برای آدمی دم میزدند اما نابودی انسانها را هم در برنامه کار خود داشتند. در ادیان ظاهرا به موضوع «حق حیات» پرداخته شده و هر کدام به نحوی پیروان شان را به صیانت از «حق حیات» افراد جامعه سفارش کرده اند. با این وجود در احکام همه ادیان، مجازات مرگ و اعدام به رسمیت شناخته شده است. اما مجازات اعدام به رفتارهایی که به نحوی سالب حق حیات

(مانند قتل) هستند، منحصر نشده و در مواردی نیز برای مواردی دیگر در نظر گرفته شده است. اما مگر سلب حق حیات شامل گرفتن جان هر انسانی نمیشود؟ پس چگونه است که برای انسان حق حیات قایل هستند اما حق آزادی بیان و اندیشه و انتخاب خیر؟ با این تفسیر می بینیم که داشتن حق حیات در مورد هر انسانی صدق نمیکند، و ادیان در طبقه بندیهای خود قایل به وجود شرایط خاصی در حق حیات افراد هستند. هرگاه فردی مطابق احکام دینی عمل کند، چون و چرا و پرسش نکند، منتقد اشتباهات و جنایات مسؤلان دینی نباشد، سر بزیر افکند و اطاعت محض داشته باشد، با آن جنایات عملا همراه باشد، مجیز زور و زر و تزویر را بگوید و بر همه حق کشی ها و بی حقوقی ها در مورد تک تک مردم چشم ببندد و پنهانکاری کند، حق حیات دارد و در غیر اینصورت حذف فیزیکی میشود. در ایران امروز، مفهوم «جرم» در بسیاری از مواقع با «گناه» در آمیخته است؛ «مجازات» یک دستور شرعی ثابت و از پیش تعریف شده الهی قلمداد می شود - دستوری که قرار نیست الزاماً نسبتی با تغییرات اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه داشته باشد و یا با این تحولات تاریخی ارزیابی شود، از سوی دیگر، در اعمال مجازات ها، نگاه گناه آلود شرع به فرد تا بدانجاست که گفته می شود اعمال مجازات ها در درجهی نخست به سود خود مجرم (گناهکار) است. مجرم و گناهکار در همین جهان مجازات می شود تا در «آخرت» جزای الهی کمتری را تحمل کند. اساس قانون در حوزه حقوق کیفری یا جزا در جمهوری اسلامی ایران «قانون مجازات اسلامی» است. ویرایش چهارم این قانون، بعد از سه دهه اجرای آزمایشی بدون اینکه تک تک مواد آن هرگز به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد در سال ۱۳۹۲ به شکل فله ای تصویب شد.

ماده ۲۷۹- محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارعاب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد.

ماده ۲۸۲- حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است: الف- اعدام، ب- صلب، پ- قطع دست راست و پای چپ، و ت- نفی

بلد. ماده ۲۸۳- انتخاب هر يك از امور چهارگانه مذکور در ماده ۲۸۲ به اختیار قاضی است..

ماده ۲۸۶- هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

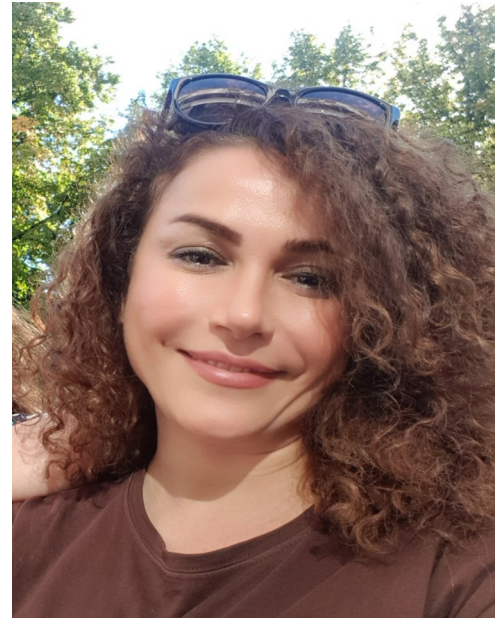
ماده ۲۸۷- گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کنند باغی محسوب می شوند و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می گردند.

در ویرایشهای نخست این قانون مجازاتی بنام بغی پیش بینی نشده بود در فقه و کلام شیعه نیز مجازاتی بنام بغی وجود ندارد. حکومت مستقر با باغی در میدان جنگ روبرو می شود، و جنگ تا انهدام مقر و تشکیلات بغات ادامه پیدا می کند. اما جمهوری اسلامی ایران اولاً بغی را به حدود شرعی افزوده، ثانیاً بغی را از مقابله با ائمه خود به مقابله با ولایت فقیه گسترش داده است.

محارب معادل راهزن سر گردنه و گانگستر و تروریست، فردی است که مسلحانه امنیت جامعه و مردم را تهدید کند. بر اساس ویرایشهای قبلی این قانون طی بیش از یک ربع قرن چند هزار مخالف سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی حتی غیرمسلح به عنوان محارب اعدام شده اند. اکنون هم قضاتی که اکثریت آنان مجتهد مطلق نیستند و فاقد حداقل دانش حقوقی و تجربه قضایی هستند اجرای ماده ۲۸۲ را به عهده دارند. اما شاهکار قانون نویسی در ماده ۲۸۶ اتفاق افتاده است. افساد فی الارض مجازاتی مجزا از محاربه نیست. بر اساس این ماده گل و گشاد، جمهوری اسلامی می تواند هر کس را بخواهد به اتهام مبهم و کشدار افساد فی الارض اعدام کند.

ادامه در صفحه 9

**عوامل موثر خشونت بر زنان
فریبا رشیدی**



اول میخوام بر عوامل موثر بر خشونت علیه زنان در ایران بپردازم و توضیحاتی بدهم.
۱. عوامل زمینه ای: همچون سن و سال، تعداد فرزندان خانواده، و محل تولد.
۲. عوامل اجتماعی: همچون میزان تحصیلات، اعتیاد، و نوع شغل همسر.
۳. عوامل فرهنگی همچون قیومیت زوجین، اعتقادات و باورهای دینی، تربیت و دیدگاه و فرهنگ محل زیست.

۴. عوامل خانواگی همچون پدر سالاری یا مرد سالاری در خانواده همسر، خشونت در خانواه همسر.
۵. قوانین نابرابر.

برخی کارشناسان، قوانین جزایی نظام جمهوری اسلامی ایران در قبال زنان را از خشن‌ترین قوانین جهان دانسته‌اند.

میدانیم قتل‌های ناموسی از فجیع‌ترین جنایات جامعه هستند که متأسفانه در صده ۲۱ هنوز آمار این پدیده رو به افزایش است. از سر بریدن با داس توسط پدر و قتل‌های مشابه در ماه‌های اخیر همه ما را متاثر کرد و هر یک به نوبه ی خود آنها را محکوم کردیم، من دوباره نتوانستم بیخیال شوم و ننویسم، این بار آتش زدن یک خانم توسط شوهرش، راستش نوشتن این موضوعات مرا می‌رنجاند ولی باید صدای آنها باشیم.
«زنی که توسط همسرش به آتش کشیده شده بود، فوت کرد»

یک زن جوان اهل روستای «زنگو» از توابع شهرستان سلماس با هویت «مریم اطمانی» در اثر جراحات ناشی از سوختگی در یکی از مراکز درمانی شهر ارومیه جان باخت.

همسر مریم اطمانی پس از به آتش کشیدن وی متواری و تاکنون توسط نیروهای انتظامی بازداشت نشده است. اگر هم فرار نمی‌کرد اتفاق خاصی نمی افتاد، در جایی که پدر سر میبرد و برادر شلیک میکند و شوهر آتش میزند، و از قانون زن ستیزی اسلامی چه انتظاری میتوان داشت؟ آیا از

آزادی زنان هراس دارید؟ آیا فکر کرده اید که زن آفریدگار شما است و از دامان او افتاده اید؟ زنان، مادران و خواهران و مدیران دلسوزی هستند که باید پرستش شوند. آیا میدانی که اگر زنان قانون گذار باشند، قانون گذارانی دلسوز و عادل میشوند! پس از چی می هراسید؟ باید آزادی را برای زنان فراهم کرد تا قدرت و استعدادهایشان را گسترش دهند. قانون اسلامی ۱۴۰۰ ساله را از زندگی زنان حذف کرد، تا دنیا رنگ دیگری بگیرد.

روی حرفم به مردهایی هست که با چشم ناموس و غیرت و شرف و کرامت به زنان و دختران می نگرند، دست از سر آنها بردارید و اجازه دهید آزادانه زندگی بکنند و طعم خوش آزادی را بچشند. جمهوری اسلامی از یک طرف عرف و مناسبت‌های سنتی در خانواه ها از طرف دیگر باعث شده که هر روز زندگی زنان سیاه و تیار شود. در جمهوری اسلامی زن یعنی زندانی، در جمهوری اسلامی آزادی یعنی خفه شدن، در جمهوری اسلامی از حق خود دفاع کردن یعنی طناب دار و اعدام، زن آزاری، زن ستیزی، و زن کشی بخشی لاینفک از اسلام، و جمهوری اسلامی میباشد.

به همین دلیل آزادی و امنیت را فقط باید با انقلابی مردمی از شر اسلام سیاسی خلاص کرد. انقلابی زنانه که یک بار برای همیشه قانون اسلام زن ستیز را بهزباله دان تاریخ انداخت.



smaeil.bakhshi 16h

روز پنجشنبه چهار تن از پاکترین و شریف ترین فعالین کارگری هفت تپه آقایان #ابراهیم_عباسی، #یوسف_بهمنی، #مسعود_حیوری و #حمید_ممبینی بازداشت شدند و کارگران هفت تپه خواستار آزادی بدون قید و شرط نمایندگان شریف خود در اسرع وقت هستند

قرنطینه، قسمت پنجم
فرخنده آشنا



ناگهان صدای خوش دمیر (شهلا) از بازداشتی های کرج بلند شد. از اپرای کوراوگلی میخواند. صدای دلنشین دمیر مرا به یاد خاطره خوش دوران کودکی انداخت. شب های زمستان دور کرسی و آواز کوراوگلی که پدرم میخواند به زیر در سلول رفتم و دراز کشیدم. آواز دمیر جان تازه ای در من دمید. چشم هایم را بسته بودم و صدا را نفس می کشیدم. آواز به پایان رسید و هم بندی ها دمیر را تشویق کردند. من هم گفتم: زنده باد دمیر! نفس ات گرم دمیر جان! خودم صدای خودم را شنیدم و اشک هایم جاری شد. مهوش با مورش مرا صدا کرد. به او با مورش سلام کردم. اما جدول مورش در ذهنم به هم ریخته بود و سرعت قلبی در مورش زدن را نداشتم. او حالم را پرسید. گفتم: خوبم در همین حین علامت خطر را رفیق دیدبان سر بند اعلام کرد. ما وضعیت عادی به خود گرفتیم. اینبار نگهبان عادل بود. گفت: "خجالت

دست میزدیم. و احساسمان هم این بود که واقعا در يك عروسی شرکت کرده ایم. در گوشه حیاط با چادر يك حجله برای عروس و داماد درست کرده بودند. بعد از رقص و شادی کودکان و تقسیم تنقلات عروس و داماد را راهی حجله کردند. ما هم که شیرینی ها را گرفته بودیم زدیم به کوچه برای بازی کردن. یکبار صدای داد و بیداد از حیاط مان بلند شد. بطرف حیاط دویدیم که تا ببینیم چه شده است. اما معلوم شد که دعوا واقعی نیست بلکه بخشی از بازی است. حالا میخواستند عروس را پس بفرستند. میگفتند عروس "پوچ" از آب در آمده است. من با کنجکاو تمام دعوا و بگو مگو ها را در ذهنم ضبط میکردم. میخواستند سر عروس را بتراشند. و او را بر عکس سوار خر کرده و به خانه پدرش بر گردانند. و باید به گردن خر هم زنگوله هایی بیاویزند که صدایش در ده بیچد تا همه بشنوند. به داماد که داشت تند تند خروس قندی میک میزد میگفتند این را میبیری به دهشان و تحویل برادر هایش میدهی و میگوی: بی غیرت ها، اگر شرف داشته باشی این بی ناموسی را به گردن نمی گیرید. داماد هم با تکان دادن سر حرف های آنها را می پذیرفت. خر هم يك دختری بود که چوبی را که رویش پارچه کشیده بودند سوار شده بود. هر کسی به عروس چیز هایی میگفت. مادر شوهر داشت به سر و رویش میزد و میگفت: من این همه خرج کردم. بیچاره پسر من را گول زدند. ینگه هم که هیچ چیزی ندارد بگوید. "ینگه هم میگفت: وای دختر رویت سیاه، مرا هم رو سیاه کردی" من که شش سالم بود سر در نیآوردم که داستان چی هست و دوباره به بازی در کوچه برگشتم. فردا که زنها در کوچه نشسته بودند. زن اقا سید (کارگر کارخانه آردل) به دیگر زنها معترض بود که چرا بچه ها دختر او را عروس کرده اند؟ و چرا آبروی دخترش را میخواهند ببرند؟ ... ادامه دارد

نگار مسودی،

نگار و مستند ساز، فعال حقوق زنان و تصویرگر رنج و درد قربانیان اسیدپاشی

توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شد



خانواده های همجنسگرایان در ایران
شیمما مقدم

بنا به گفته شاهرخ رئیسی:

«اصطلاحی هست در علم سکسولوژی که به آن "کامینگ اوت" می‌گویند. کسی که گرایش همجنس‌خواهانه دارد، در مرحله اول برای خودش آگاه می‌شود که همجنس‌گرا است. مرحله دوم این است که این را به محیط اطراف نشان می‌دهد. در بسیاری افراد، باید این دو مرحله به صورت عادی و طبیعی اتفاق بیفتد تا سلامت روحی و روانی فرد تضمین شود. در ایران نه تنها مرحله دوم

مشکل است، بلکه مرحله اول هم عملی نمی‌شود. بسیاری حتی با جنس مخالف ازدواج می‌کنند و صاحب بچه هم می‌شوند اما همیشه درون خود فانتزی‌های جنسی به همجنس را سرکوب می‌کنند.»

در حالی که اعضای خانواده معمولاً آخر از همه در جریان همجنس‌خواهی فرد قرار می‌گیرند، مأموران امنیتی یا پلیس برای گرفتار کردن آنها تور پهن می‌کنند و رفتارهای بسیار خشن، رسوا و تحقیرآمیزی با همجنس‌خواهان دارند.

گروهی از همجنس‌خواهان، ایران را به دلیل طرد شدن از سوی خانواده یا جامعه یا از بیم رسوایی و زندان و اعدام ترک می‌کنند. آنها از کشورهای اروپایی بعنوان اقلیت‌های جنسی تقاضای پناهندگی می‌کنند، اما آنجا نیز با مشکل روبرو می‌شوند.

متأسفانه اکثر خانواده‌های همجنسگرایان به دلیل نداشتن آگاهی در این مورد و مسائل فرهنگی فرزندان همجنس‌گرای خود را نمی‌پذیرند و به جای حمایت از فرزندان‌شان آنها را طرد یا تحت فشار قرار می‌دهند. متأسفانه عده‌ای از همجنس‌گرایان به دلیل فشارهای زیاد خودکشی می‌کنند و کسی در مورد آنها چیزی نمی‌گوید زیرا خانواده‌هایشان همجنس‌گرایی را بی‌آبرویی می‌دانند و حتی گاهی مرگ فرزندان را بهتر از

زندگی آنها می‌دانند، عده‌ای از همجنسگرایان به دام پلیس می‌افتند و مورد تجاوز قرار می‌گیرند یا اعدام می‌شوند اما هرگز جایی از آنها گفته نمی‌شود. زمانی که افرادی به جرم سیاسی یا جرمی شبیه این دستگیر می‌شوند و به زندان می‌روند همه جا از آنها گفته می‌شود اما زمانی که همجنس‌گرایی دستگیر می‌شود خانواده‌شان از ترس آبرویشان که مبادا به اصطلاح بی‌آبرو نشوند سکوت اختیار می‌کنند و حتی گاهی با پلیس همکاری می‌کنند زیرا فرد همجنس‌گرا را مایه ننگ خود می‌دانند. همجنسگرایان در ایران بیشتر از افراد دگر جنین را نیاز به حمایت خانواده‌های خود دارند و این در حالی است که از طرف خانواده خود بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرند و عده‌ای از همجنسگرایان به دلیل ترس از عکس‌العمل و عدم پذیرش هویت جنسی خود را برای همیشه از خانواده‌شان مخفی می‌کنند و به همین دلیل بیشتر با خطرهای دیگری از جمله دستگیری و تجاوز مواجه می‌شوند، عده‌ای منزوی شده و از اجتماع برای همیشه فاصله می‌گیرند این در حالی است که تمام این افراد مانند بقیه انسانها می‌توانند فرد مهم و مفیدی برای جامعه خود باشند.

انتخابات آمریکا و ... ادامه ی صفحه ی 3

ترس از بدتر شدت، استیصال و تسلیم به هر چیزی را بدنبال میتونه بباره، در نتیجه این به نظر من تا آنجایی که زاویه منافع مردم و بخشهای محروم تر جامعه نگاه کنیم تلاش برای حفظ موجود باخته، باخت طرف مقابله که داره تعرض میکنه به یک بازپس گیری تمام دستاوردهایی که بشریت در طول دو تا سه قرن گذشته بدست آورده بخصوص ماحصلش را مردم توی آمریکا و در اروپا تجربه کردن، حق معیشت، حق زندگی، حق بیمه بیکاری، درمان، آموزش، همه اینها، آزادی عقیده و بیان، برابری شهروندان، همش مورد تعرضه، قوانینی که به سرعت تصویب تصویب میشه، توی همه این کشورها تحت عنوان این که با کرونا در جنگیم و یکی پس از دیگری قوانین ارتجاعی تصویب میشه. کنوانسیونهای بین‌المللی را خودشان دارت نقض میکنند، در نتیجه روند بازپس گیری خیلی وقته شروع شده، تنها راه تعرض و پیش رویه حتی برای وضع موجود برای حفظ وضع موجود نمیتونه با پرچم حفظ وضع موجود بری جلو، برای دفاع از دستاوردهای موجود که باید دفاع کرد، این احزاب پارلمانی جوابگو نیستند و مردم ناچارند تعرض کنند، ناچارند. نمیدونم توانستم به سئوالات جواب بده یا نه؟ این بازی دو حزب یکی برای برگشت به گذشته باخته و یکی برای حفظ وضع موجود هم باخته، هر دو تا باخت باخته. که مصائبشان سر مردم خراب بشه.

مینو همتی: آیا نتیجه انتخابات در آمریکا تغییر قابل ملاحظه‌ای در سیاست خارجی آمریکا ایجاد خواهد کرد؟

ثریا شهابی: در سیاست خارجی میتونه تغییراتی به نظر من جزئی ایجاد میکنه، تغییر اساسی ایجاد نخواهد کرد، چه باید و چه ترامپ باد، تغییر اساسی ایجاد نمیشه در سیاست خارجی آمریکا، زبان دیپلماسی تغییر میکنه ولی سرمایه‌گذاری بخش راست افراطی ایران است که فکر میکنند که اگر ترامپ بیاد، جمهوری اسلامی میفهمی و اگر باید بیا، جمهوری اسلامی میماند. یا مثلاً رابطه با چین، اقتصاد آمریکا با چین رقابت بکنه، هم توی دستور کار ترامپ و هم توی دستور کار بایدنه.

ترامپ میتونه یا نمیتونه و یا چطور میتونه جنگ تجاری خودش را پیش ببره، ترامپ با آن زبان اینکه آنها مهندسی کردن و ویروس را میگه و باید هم شاید با زبان دیپلماسی مودبانه تری این را میگه.

در مورد برام و در مورد رابطه با ایران، ایران را نشان داده که آماده است که مذاکره کنه. روندی که در و رای پروپاگانداها و عربده کشیها و دهن دردیگی هایتراکمپ بنیاد سیاست خارجی آمریکا تغییر نخواهد کرد. به نظر من لویزان دیپلماسی و ظاهر قضیه محکمه پسندتر و به اصطلاح توی چهارچوب مناسبات سنتی دیپلماسی میتونه باقی بمانه، به هر حال دیپلماسی خارجی بتونه تغییر جدی بکنه.

مینو همتی: وضعیت حکومت اسلامی را در پرتوی این انتخابات چگونه ارزیابی میکنید؟

ثریا شهابی: - به نظر من وضعیت حکومت اسلامی هم بازنده بازنده است و برنده‌ای ندارد، تبلیغات روحانی سر این که انتخابات امسال خوب میشه وقتی باید بیاد و با به قدرت آمدن ترامپ ما را به این بن بست کشانده، این تبلیغات پروپاگانده. تا آنجا که به مردم برمی‌گرده، مردم سیاست خارجی جمهوری اسلامی را ازش عبور کردن به عنوان عامل صفوف و عامل بقا.

جمهوری اسلامی زیر ضرب فشار هست از پائین و رو به روز سر می‌کند. تغییرات بقدرت رسیدن بایدن یا ترامپ تا آنجاییکه به جمهوری اسلامی برمی‌گردد، می‌تونه برای مدتی بازار تبلیغاتش را که آیا ما برنده شدیم و بالاخره ترامپ ممکنه چند روزی توی چهارچوب سوءاستفاده‌های خودشو قرار میده ولی فایده ای نداره ولی چند روز بیشتر نخواهد بود، به نظر من جمهوری اسلامی هم بازنده این انتخاباته و بخصوص اینکه سیاست خارجی و این بازیهای دشمن خارجی تا جایی که هملت ایرانه مربوطه. آنها از این سیاست خارجی عبور کردن و امروز زندگی، معیشت برای تامین آن مستقیماً با جمهوری اسلامی و این انتخابات میتونه چند روزی بازار تبلیغاتشان را گرم نگهدارد. با تشکر از مرضیه آدمی برای پیاده کردن متن مصاحبه.

مجازات اعدام ادامه ی صفحه ی 5

عبارت «جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد» که چند بار در این ماده قانونی تکرار شده از مضحکه های حقوق کیفری معاصر است. مشکل اصلی مجازات اعدام در

جمهوری اسلامی سه امر است: تلقی دینی سنتی (ارتجاعی)، قوانین کارشناسی نشده و ضد حقوقی، اجرای ظالمانه همان قوانین. آنچه بنام حکم قوانین شرعی بر علیه فعالان مدنی و حقوق بشری در ایران، توسط حکومت دینی جمهوری اسلامی ایران اعمال میشود کاملاً ضد انسانی و متناقض است با اصل 3 اعلامیه جهانی حقوق بشر: "حق حیات" و ماده 6 کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی:

"حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از زندگی محروم کرد."

و بند اول ماده 37 کنوانسیون حقوق کودک: "کشورهای عضو باید تضمین کنند که هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و اهانت آمیز قرار گیرند و در ضمن نه مجازات اعدام و نه حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر 18 سال اعمال کرد."

مقامات جمهوری اسلامی حتی کسانی را هم که به دلایل تغییر دین و پیروان سایر ادیان غیررسمی بخصوص بهاییان، با عنوان ارتداد، بازداشت و یا اعدام میکنند، دلیل این امر را نه بخاطر عقاید دینی آنان، بلکه از جمله دلایل امنیتی، ذکر کرده اند. رفتار خشونت آمیز، غیرانسانی و ناعادلانه دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، مصداق بارز نقض حقوق بشر و ناقض ارزش انسانی است. چنین رفتارهای خشونت بار و تبعیض آمیزی، علاوه بر اینکه موجب رسوایی بیشتر نظام حقوقی و قضایی حاکم بر جمهوری اسلامی می‌شود، وجدان اخلاقی و انسانی جامعه ایرانی را نیز عمیقاً جریحه دار میکند. پس از انقلاب 57، یک رژیم واپسگرا، به بهانه عدالت و پیشرفت، ده‌ها هزار شهروند ایرانی را به خاطر عقاید سیاسی و یا مذهبی شان زندانی، شکنجه و اعدام کرد، مردان و زنان و حتی آنانی که هنوز کودک بودند. این کشتارها، مانند آنچه در همه رژیم‌های اقتدارگرای تشنه قدرت در طول تاریخ اتفاق افتاده، با اهدافی والا توجیه شده است. همزمان با معرفی قربانیان به عنوان موجوداتی پست و ضد انقلاب و ضد دین و خدا و مستحق مجازات، جنایاتی که در قبال آن‌ها رخ داده از حافظه جمعی پاک شده تا مشروعیت طبقه حاکم حفظ شود. البته تنها بخاطر آمار ارایه شده درباره اینکه دقیقاً چند هزار نفر قربانی شده‌اند از اهمیت چنین جنایت گسترده ای نمی‌توان کم کرد. در ورای این آمار و ارقام، پدران و مادران داغدار، خواهران و برادران، همکلاسی‌ها و همکاران افراد قرار دارند. بهمین خاطر، خشونت اعمال شده بر یک نفر بر حلقه گسترده ای از جامعه تأثیر می‌گذارد و با تولید نوعی فرهنگ ترس و وحشت، به وسیله اعمال قدرت توسط نظام حاکم تبدیل می‌شود. این آسیب روانی عمیق ملی، تا به امروز بر زندگی ایرانیان سایه افکنده است. با وجود اعدام‌های گسترده در دهه اول پس از انقلاب، یک واقعه ای تاریخی، به عنوان نماد افراط در آن سال‌ها، نقش پررنگ تری پیدا کرده است. در سال 1367 و با نزدیک شدن به پایان جنگ ایران و عراق، آیت الله خمینی با صدور فتوایی به مقامات حکومتی دستور داد تا "با خشم و کینه انقلابی خود" تکلیف زندانیان سیاسی را مشخص کنند. در تابستان آن سال، هزاران زندانی سیاسی پس از محاکمه های قرون وسطایی در برابر "کمیته مرگ" و بسته به اینکه به الهیات سیاسی جمهوری اسلامی اعتقاد داشتند یا نه، پس از شکنجه های فراوان، اعدام شدند و در گورهای دسته جمعی بطور پنهانی به خاک سپرده شدند، که از آن به جنایت علیه بشریت یاد میشود. از آن زمان تاکنون این اعدامها ادامه دارند و بر شدت و حدت آن نیز هر ساله افزوده میشود و به نمادی برای این حکومت اسلامی تبدیل شده است چرا که در واقع سیاست جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با مخالفین خود و مردم جامعه "النصر بالرعب" بمعنای "پیروزی در ترساندن" است. حاکمیتی که با زندانی کردن، شکنجه و اعدام شهروندان آن‌ها را به سکوت و اداری می‌کند، دولت قدرتمندی نیست. درست برعکس، چنین اعمالی نشانه ناتوانی و عدم قدرت و خود محکوم به شکست و فروپاشی است. جمهوری اسلامی ایران، سیاست انکار را برای پنهان کردن ردپای جنایات گسترده خود تاکنون به کار گرفته بود، اما در سالهای اخیر در کمال بیشرمی و وقاحت از اعدام مخالفان سیاسی و عقیدتی خود ابراز خوشنودی میکند و علیرغم تمام هشدارها و محکومیت‌های مجامع بین‌المللی بخاطر نقض حقوق بشر، به اعمال ننگین و خونین خود ادامه میدهد. سران حاکمیت باید نتایج اعمال خود را در نظر بگیرند و بدانند که فریاد عدالتخواهی در برابر جنایاتشان، بدون حسابرسی، به فراموشی سپرده نخواهد شد و دادگاهی به پنهان ایران عزیزمان برای رسیدگی به جنایات بیشمار این شکنجه گران و جانباختگان خواهد شد.

در ایران آزاد فردا، ساختن یک فرهنگ مبتنی بر حقوق بشر، ایجاد فضای گفتگو، آشتی و بخشش، ملزم به بازیابی روانی قربانیان، ابراز ندامت خاطیان و به رسمیت شناختن فجایع گذشته توسط عموم مردم ایران است. هدف عدالت بازگرداندن انسانیت از دست رفته، هم برای قربانی شکنجه و هم برای شکنجه گر است. پایان دادن به انکار حقایق تاریخی، اولین قدم در راه پایان دادن به انکار حقوق بشر است.



اعتراض سرخ علیه خشونت در ایتالیا



کارزاری برای جلب توجه مردم به خشونت علیه زنان. این کارزار در رم پایتخت ایتالیا و در آستانه ۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، برگزار شده است. خشونت علیه زنان همچنان موضوعی مبرم در همه نقاط جهان است. در آلمان نیز آمارها نشان می‌دهند که در سال ۲۰۱۸ هر روز یک مرد تلاش کرده همسر یا شریک زندگی سابق خود را از بین ببرد. آمار این خشونت‌ها سال به سال در حال افزایش است.

اعتصاب سراسری جنبش زنان لهستان علیه قانون سقط جنین



جنبش زنان لهستان مصمم است، با اعتصاب سراسری حزب حاکم را به تغییر قانون سقط جنین وادارد. در روزهای گذشته هزاران نفر در شهرهای گوناگون لهستان به این قانون اعتراض کردند. در فراخوانی به همین مناسبت زنان سراسر کشور دعوت شده‌اند در روز چهارشنبه، ۲۸ اکتبر (هفتم آبان) از کار دست بکشند. در این فراخوان آمده است: «ما مرخصی بدون حقوق می‌گیریم. ما شرکت را تعطیل می‌کنیم. یا خیلی ساده - ما کار نخواهیم کرد.»

در اثر غرق شدن یک قایق حامل پناهجویان پنج عضو یک خانواده اهل سردشت غرق شده‌اند



اجساد رسول ایران‌نژاد ۳۵ ساله، همسرش، شیوا محمدپناهی ۳۵ ساله، آنیثا ۹ ساله و آرمین ۶ ساله پیدا شده، فرزند ۱۵ ماهه آن‌ها همچنان مفقود است. بنابر گزارش‌ها، رسول ایران‌نژاد در این حادثه غرق شد، و همسر و دو فرزند خردسال پنج و هشت ساله آنها در اثر ایست قلبی جان باختند و تلاش برای احیای آنها موفقیت آمیز نبود. در همین حال، چند نهاد حامی پناهجویان گفته‌اند که مرگ دو کودک و دو بزرگسال در جریان غرق شدن قایق حامل مهاجران در کانال ماتش باید برای صاحبان قدرت به "زنگ بیدارباش" تبدیل شود. موسسه نجات کودکان هم گفته "کانال انگلیس نباید به گورستان کودکان تبدیل شود". روز گذشته، قایق حامل پناهجویان در حین عبور از کانال ماتش در آب‌های بین فرانسه و بریتانیا غرق شد. ۱۵ نفر دیگر از سرنشینان هم که گفته می‌شود ایرانی بودند به بیمارستان منتقل شده‌اند و گمان می‌رود دو نفر دیگر نیز در دریا گم شده باشند.

تداوم بی‌خبری؛ نگرانی از وضعیت فعالان مدنی بازداشت شده در تهران



مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید پندیده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

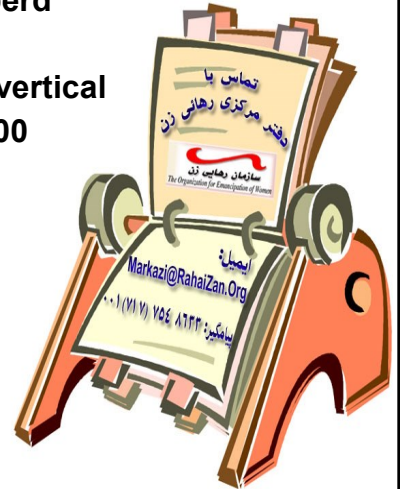
HoT BIRD

Frequency 11541 vertical

Symbol Rate: 22000

PoI V

FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: verya.1360@gmail.com

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: Shararehzaei.p@gmail.com